



اصول فقه ۳ (حلقه ثانی)

سطح ۲

درس ۲۴

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای یاسر سعادت

مقدمه

در درس قبل گذشت که برخی با تمسک به «اخبار من بلغ» خواسته‌اند قاعده‌ای به نام «قاعده تسامح در ادله سنن» را ثابت نمایند و به وسیله آن، عدم حجیت خبر غیرثقه را در موارد مستحبات و مکروهات، تخصیص بزنند. شهید صدر در بررسی این ادعا، چهار احتمال در معنای «اخبار من بلغ» بیان نمودند که در درس قبل این چهار احتمال بیان شد. در این درس شهید صدر می‌فرماید: فقط طبق احتمال اول می‌توان ادعای فوق را ثابت نمود، اما این احتمال با ظاهر اخبار من بلغ منافات دارد. اگرچه طبق احتمال دوم نیز می‌توان در مورد مستحبات و مکروهات که خبر ضعیفی بر آن‌ها قائم شده است، حکم به استحباب و کراهت نمود؛ اما با توجه به وجود ظهور برای احتمال سوم و شاهد نداشتن احتمال دوم، نمی‌توان آن را اثبات نماییم.

به نظر شهید صدر، اخبار من بلغ ظهور در احتمال سوم (ارشاد به حکم عقل به حسن احتیاط) دارد؛ ولی با توجه به وعده ثواب مذکور در روایت به عامل آن، یک جعل مولوی ثواب نیز برای تشویق مؤمنین به عمل به اخبار ضعیف از باب احتیاط، داده شده است.

متن درس

[قاعدة التسامح فى ادلة السنن.....و التحقيق ان هذه الروايات فيها بدواً عدة احتمالات]

و الاستدلال بالروايات على ما ذكر مبنى على الاحتمال الأول، و هو غير متعين. بل ظاهر لسان الروايات ينفيه لأنها تجعل للعامل الثواب، و لو مع مخالفة الخبر للواقع. فلو كان وضع نفس الثواب تعبيراً عن التعبد بثبوت المؤدى، و حجية البلوغ، لما كان هناك معنى للتصريح بأن نفس الثواب محفوظ حتى مع مخالفة الخبر للواقع. كما ان الاحتمال الثانى لا موجب لاستفادته أيضاً الا دعوى ان الثواب على عمل فرع كونه مطلوباً، و هى مدفوعة بأنه يكفى حسن الاحتياط عقلاً ملاكاً للثواب. فالمتعين هو الاحتمال الثالث، و لكن مع تطعيمه بالاحتمال الرابع، لأن الاحتمال الثالث بمفرده لا يفسر إعطاء العامل نفس الثواب الذى بلغه، لأن العقل انما يحكم باستحقاق العامل للثواب لا لشخص ذلك الثواب، فلا بد من الالتزام بأن هذه الخصوصية مردها إلى وعد مولوى.

احتمالات چهارگانه در مورد مدلول اخبار من بلغ (یادآوری)

بیان شد که چهار احتمال در مورد مدلول و مفاد اخبار من بلغ وجود دارد:

احتمال اول: جعل حجیت برای مطلق خبر ضعیفی که ثوابی را بر عملی از رسول گرامی (ص) نقل نموده است.

احتمال دوم: جعل حکم استحباب واقعی ثانوی برای عنوان «الخبر البالغ عن النبی»، یعنی صرف بلوغ عن النبی موجب جاری شدن این عنوان بر عمل گردیده و عمل به عنوان این که عملی است که نبی اکرم (ص) از ثواب بر آن خبر داده، مستحب باشد، نه عمل بما هو هو و فی نفسه.

احتمال سوم: ارشاد به حکم عقل به حسن احتیاط و استحقاق ثواب برای شخص محتاط.

احتمال چهارم: جعل وعده و پاداش مولوی به خاطر مصلحتی که در نفس این وعده ثواب، وجود دارد، مثلاً بزرگان به خاطر این وعده الهی، به حکم عقل به حسن احتیاط عمل نمایند.

بررسی دلالت احتمالات چهارگانه بر قاعده تسامح در ادله سنن

در میان احتمالات ذکر شده برای مفاد اخبار من بلغ، فقط بنابر احتمال اول، می توان از اخبار من بلغ، قاعده تسامح در ادله سنن را استفاده نمود؛ زیرا مراد ما - همان طور که در درس گذشته بیان شد - از قاعده «تسامح در ادله سنن» این است که طبق این قاعده، مطلق خبر ضعیفی که در باب مستحبات و مکروهات وارد شده، حجت است.^۱ و این معنا فقط در صورتی از اخبار من بلغ استفاده می شود که این اخبار حمل شوند بر معنایی که در احتمال اول ذکر شده است.^۲ در غیر این صورت بنا بر احتمالات دیگر واضح است که حجیت خبر ضعیفی که در باب مستحبات و مکروهات وارد شده، استفاده نمی شود؛ زیرا بنابر احتمال دوم فقط یک حکم واقعی ثانوی برای عنوان «بلوغ عن النبی» جعل می گردد و بنابر احتمال سوم و چهارم اصلاً حکمی جعل نمی شود؛ بلکه بنابر احتمال سوم فقط ارشاد به حکم عقل به حسن احتیاط است و بنابر احتمال چهارم یک وعده الهی به ثواب بر عمل به حکم عقل به حسن احتیاط داده می شود.

عدم دلالت اخبار من بلغ بر قاعده «تسامح در ادله سنن»

^۱. نکته مورد توجه آن است که دو احتمال در مورد مقصود از قاعده تسامح در ادله سنن وجود دارد:

الف) خبر غیر ثقه در مستحبات حجت است؛

ب) حکم به مستحب بودن فعلی که خبر غیر ثقه، ثوابی را از نبی (ص) بر آن فعل نقل می کند.

بنابر احتمال اول - که شهید صدر نیز مراد از این قاعده را همین احتمال اول می دانند - فقط احتمال اول از احتمالات چهارگانه در مورد مفاد اخبار من بلغ، مفید اثبات این قاعده می باشد. اما بنابر احتمال دوم، علاوه بر احتمال اول، احتمال دوم از احتمالات چهارگانه در مورد مفاد اخبار من بلغ نیز مفید قاعده «تسامح در ادله سنن» خواهد بود. (ر.ک: ایروانی، الحلقة الثالثة فی اسلوبها الثانی. ج ۲ پاورقی ص ۱۳۸).

^۲. اگر کسی اشکال نماید که بنابر قاعده «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» بنا بر این که اخبار من بلغ ارشاد به حکم عقل باشند، باز هم با حکم عقل به وسیله قاعده ملازمه می توان استحباب این فعل را ثابت کنیم.

چنین پاسخ می دهیم: همان طور که بیان شد، نظر شهید صدر در مورد مدلول قاعده تسامح در ادله سنن، جعل حجیت برای خبر ضعیف می باشد. بنابراین اگر هم قاعده ملازمه را بپذیریم فقط استحباب این فعل ثابت می شود و حجیت خبر ضعیف ثابت نخواهد شد. (آموزشیار)

بیان شد که در مورد دلالت اخبار من بلغ، چهار احتمال وجود دارد و فقط در صورتی این اخبار، دلالت بر قاعده «تسامح در ادله سنن» می‌کنند که معنای اول (جعل حجیت برای خبر غیر ثقه در مستحبات و مکروهات) از آن‌ها استظهار شود و به صرف احتمال معنای اول نمی‌توان با این اخبار، قاعده «تسامح در ادله سنن» را ثابت نمود. حال می‌خواهیم ببینیم که آیا وجهی برای استظهار معنای اول (جعل حجیت برای خبر غیر ثقه) وجود دارد یا نه؟

وجه استظهار معنای اول از اخبار من بلغ

قائلین به معنای اول (جعل حجیت برای خبر غیر ثقه) برای مفاد اخبار من بلغ، دیده‌اند که این اخبار، ظهور در ارشاد به حکم عقل به حسن احتیاط ندارد؛ زیرا عقل فقط استحقاق ثواب را برای کسی که احتیاط می‌کند، درک می‌نماید، اما مقدار این ثواب را درک نمی‌کند. در صورتی که اخبار من بلغ می‌گویند: به این شخص همان ثوابی می‌رسد که در خبر ضعیف، وعده داده شده است. رسیدن این ثواب به مکلف نیز منوط بر این است که آن ثواب در واقع برای این فعل ثابت باشد تا مکلف با عمل به آن فعل، به آن ثواب موعود برسد. پس دادن همان ثواب به مکلف بدین معنا است که خداوند متعال مکلف را دعوت نموده که بنا را بر ثبوت آن خبر بگذارد و با عمل به آن، به همان ثواب وعده داده شده واصل گردد و این همان معنای جعل حجیت برای خبر ضعیف می‌باشد.

منافات احتمال اول با ظاهر اخبار «من بلغ»

شهید صدر(ره) می‌فرمایند: استظهار معنای اول (جعل حجیت برای خبر غیر ثقه) از «اخبار من بلغ» با ظاهر این اخبار تنافی دارد. بیان این تنافی نیاز به بیان مقدمه‌ای دارد که ابتدا به توضیح آن می‌پردازیم:

مقدمه: در مورد حجیت خبر واحد دو مبنا وجود دارد: یکی مبنای «تصویب» و دیگری مبنای «تخطئه».

مبنای تصویب بدین معنا است که عده‌ای حجیت امارات را به معنای آن می‌دانند که در قبال این امارات، یک مصلحتی جعل می‌شود و حکم واقعی، برای مکلف همان چیزی است که امارات آن را بیان کرده‌اند و در لوح محفوظ حکم دیگری برای مکلف - غیر از آن چه که مکلف با امارات معتبره به آن‌ها می‌رسد - وجود ندارد؛ لذا اگر هم اماره‌ای کاذب باشد باز مکلف به مصحلت حکم واقعی رسیده است. اما بنابر مبنای تخطئه - که اصحاب ما قائل به این مبنا هستند - حجیت خبر بدین معنا است که خبر فقط به عنوان طریقی برای رسیدن به حکم واقعی، جعل شده است؛ حال اگر اماره مطابق با واقع درآمد، مکلف آن ثواب مذکور را خواهد برد، اما اگر اماره خلاف واقع در بیاید، مکلف فقط معذور خواهد بود و تنها از باب انقیاد مستحق ثوابی است، ولی ثواب حکم واقعی را نخواهد برد؛ چون در واقع، آن ثواب مذکور در اماره، برای عمل مذکور وجود ندارد تا مکلف با عمل به آن فعل، به آن ثواب برسد.

با بیان این مقدمه می‌گوییم: با توجه به این که اصحاب ما در باب امارات قائل به مبنای «تخطئه» هستند، نمی‌توان از «اخبار من بلغ»، حجیت خبر غیر ثقه را استظهار نمود؛ زیرا در ذیل این اخبار آمده است که مکلف با عمل به خبر ضعیف به ثواب مذکور در آن خبر، خواهد رسید، اگر چه رسول خدا (ص) چنین نفرموده باشند (و آن خبر در واقع کاذب بوده باشد). لازمه این سخن آن است که در واقع چنین ثوابی برای فعل مذکور وجود نداشته باشد؛ در حالی که اگر مراد از اخبار من بلغ، جعل حجیت برای خبر غیر ثقه بود، طبق مبنای مسلم در نزد شیعه - که عبارت

است از مبنای «تخطئه» در حجیت امارات- فقط در صورتی مکلف استحقاق ثواب مذکور را خواهد داشت که آن خبر ضعیف، مطابق واقع باشد و در صورت عدم موافقت با واقع، مکلف فقط مستحق ثواب نفس احتیاط و انقیاد در مورد فعل مزبور می‌باشد، نه این‌که در این صورت نیز مستحق ثواب مذکور باشد؛ لذا مراد از اخبار من بلغ، نمی‌تواند جعل حجیت برای خبر غیرثقه باشد.

تطبیق

و الاستدلال بالروایات^۱ علی ما ذکر^۲ مبنی علی الاحتمال الأول^۳، و هو^۴ غیر متعین. بل ظاهر لسان الروایات ینفیه لآنها^۵ تجعل للعامل الثواب، و لو مع مخالفة الخبر للواقع.

استدلال به این روایات (اخبار من بلغ) بر مدّعی مذکور (اثبات قاعده تسامح در ادله سنن) مبنی بر احتمال اول است و این احتمال متعین نیست، بلکه ظاهر لسان روایات مذکور، آن را نفی می‌کند؛ زیرا روایات مذکور، ثواب را برای عامل جعل می‌کند، گرچه خبر با واقع مخالفت داشته باشد.

فلو كان وضع نفس الثواب تعبيراً عن التعبد بثبوت المؤدى، و حجية البلوغ، لما كان هناك معنى للتصريح بأن نفس الثواب محفوظ حتى مع مخالفة الخبر للواقع.

بنابراین اگر جعل همان ثواب (ثوابی که توسط خبر ضعیف بالغ شده است)، تعبیری از تعبد به ثبوت مؤدّی (و مضمون خبر) و (تعبیری از) حجیت بلوغ باشد (چنان‌که مدّعاست)، دیگر در اینجا معنا ندارد که تصریح شود به این‌که همان ثواب -حتی در صورت مخالف خبر با واقع- محفوظ است (در مقام جعل حجیت برای چیزی، شارع باید به گونه‌ای تعبیر کند که اعتماد مکلف را به آن جلب کند؛ مثلاً بگوید: «لا ینبغی التشکیک فیها» نه آن‌که تصریح به احتمال خطایش کند).

وجهی دیگر برای منافات ظاهر اخبار من بلغ با احتمال اول (جعل حجیت)

وجه دیگری که می‌توان برای منافات ظاهر «اخبار من بلغ» با احتمال اول (جعل حجیت برای خبر غیرثقه) بیان نمود این است که تمام الملاک در باب امارات، کاشفیت امارات از واقع می‌باشد. بدین معنا که شارع در جعل حجیت برای امارات، احتمال عدم مطابقت اماره را با واقع نفی می‌کند و آن را حجت قرار می‌دهد؛ همان‌گونه که در باب حجیت خبرثقه اخباری وجود دارد که می‌گوید: شک در مطابقت خبر ثقه با واقع برای احدی جایز نیست. اما در اخبار من بلغ احتمال مخالفت خبر، مورد لحاظ واقع شده است و گفته شده است که در صورت مخالفت

^۱ یعنی: اخبار من بلغ.

^۲ یعنی: حجیت خبر واحد غیر ثقه، در باب اوامر و نواهی غیرالزامی.

^۳ یعنی: مفاد اخبار جعل حجیت برای خبر غیر ثقه در باب مستحبات و مکروهات باشد.

^۴ مرجع ضمیر: الاحتمال الأول.

^۵ مرجع ضمیر: الروایات.

^۶ خبر «کان».

^۷ یعنی: اذا كان وضع نفس الثواب تعبيراً عن التعبد بثبوت المؤدى، و حجية البلوغ

خبر با واقع نیز ثواب وعده داده شده برای فعل مذکور، وجود دارد. و این لحاظ عدم مطابقت، با جعل حجیت که تمام الملاک در آن کاشفیت و عدم اعتنا به احتمال مخالفت است، سازگار نمی‌باشد.

Sco1:15:15

عدم دلالت اخبار من بلغ بر جعل استحباب واقعی ثانوی

در بخش قبل ثابت شد که مفاد اخبار من بلغ نمی‌تواند جعل حجیت برای خبر غیر ثقه باشد. حال می‌خواهیم ببینیم که آیا مفاد این اخبار می‌تواند احتمال دوم، یعنی جعل حکم استحباب واقعی ثانوی باشد یا نه؟ اگر اخبار من بلغ دلالت بر این احتمال داشته باشد - اگر چه احتمال اول ثابت نشود - باز هم می‌توان به استحباب فعلی که خبر ضعیف بر استحباب آن دلالت دارد، حکم نمود؛ به عبارت دیگر برای حکم به استحباب فعلی که خبر ضعیف بر استحباب آن قائم شده یا باید اخبار من بلغ حمل بر معنای اول (جعل حجیت) شود و یا این که این اخبار حمل بر معنای دوم (جعل استحباب واقعی ثانوی) گردد. هم‌چنین بیان شد که بنابر معنای اول، خبر غیر ثقه در باب مستحبات حجت قرار داده می‌شود و بنا بر احتمال دوم، یک حکم استحباب ثانوی برای عنوان بلوغ عن النبی (ص) جعل می‌شود.

با توجه به منافات ظهور اخبار من بلغ با جعل حجیت، احتمال اول منتفی است. حال باید ببینیم که آیا می‌توان اخبار مذکور را حمل بر معنای دوم نمود یا نه؟

وجه حمل اخبار من بلغ بر معنای دوم

جعل ثواب برای یک عمل دلیل بر مطلوب بودن آن عمل است؛ لذا اخبار من بلغ که وعده ثواب بر عمل به اخبار ضعیف می‌دهد، ملازمه با این دارد که افعالی که خبر ضعیف بر آن‌ها قائم شده است مطلوب شارع هستند و این مطلوبیت به دو گونه ممکن است باشد:

الف) نفس این افعال مستحب باشند.

ب) این افعال فی نفسه مستحب نیستند، بلکه به عنوان ثانوی مستحب می‌باشند؛ یعنی این افعال به خاطر عارض شدن عنوان «ما بلغ عن النبی علیه ثواب» دارای مصلحت و مطلوب شارع باشد.

ولی نفس این افعال نمی‌تواند دارای مصلحت باشد؛ زیرا در خود اخبار من بلغ، کذب و عدم مطابقت روایتی که ثوابی را بر عملی نقل می‌کند، احتمال داده شده است؛ لذا نمی‌توان گفت که نفس آن اعمال دارای مصلحت است. بنابراین، با توجه به ملازمه داشتن ثواب با مطلوب بودن عمل، احتمال دوم (جعل حکم واقعی ثانوی برای فعلی که خبری از نبی اکرم (ص) ثوابی را بر آن وعده داده است) ثابت می‌گردد.

عدم ملازمه ثواب داشتن یک عمل با مطلوبیت آن

شهید صدر (ره) می‌فرمایند: در وجه حمل اخبار من بلغ بر احتمال دوم (استحباب واقعی ثانوی) بیان شد که ثواب داشتن یک عمل، ملازمه با مطلوب بودن آن عمل دارد، لکن این مطلب تمام نیست؛ زیرا ممکن است که ثواب داشتن فعل به خاطر حسن احتیاط باشد؛ یعنی عقل می‌گوید که احتیاط حسن است و شخص از باب احتیاط، مستحق ثواب می‌باشد؛ لذا ممکن است که اخبار من بلغ، ارشاد به این حکم عقل باشد و با چنین احتمالی نمی‌توان

نفس فعل را مطلوب مولا و مستحب دانست و فتوا به استحباب داد؛ زیرا هر چند که وجه دوم بر خلاف وجه اول از جهت ثبوتی ممکن است، لکن از جهت اثباتی - به خاطر وجود احتمال ارشادی بودن این اخبار - حمل آنها بر معنای دوم به صورت انحصاری ممکن نیست؛ به عبارت دیگر «إذا جاء الاحتمال بطل الاستدلال».

تطبيق

كما ان الاحتمال الثاني^۱ لا موجب لاستفادته^۲ أيضا^۳ الا دعوى ان الثواب على عمل فرع^۴ كونه^۵ مطلوباً، و هي^۶ مدفوعة بأنه^۷ يكتفى حسن الاحتياط عقلاً^۸ ملاكاً^۹ للثواب.

همچنین هیچ توجیهی برای استفاده احتمال دوم (از اخبار من بلغ) نیز وجود ندارد، مگر این ادعا که ثواب بر عملی، فرع بر مطلوب بودن آن است و این ادعا قابل دفع است، به اینکه حسن عقلی احتیاط، کافی است برای این که ملاک ثواب باشد.

نظر شهید صدر (ره) در مورد مدلول اخبار من بلغ

در بخش‌های قبلی گذشت که حمل اخبار من بلغ بر احتمال اول (جعل حجیت) و دوم (جعل حکم واقعی ثانوی) ممکن نیست؛ زیرا احتمال اول با ظاهر روایات من بلغ تنافی دارد و احتمال دوم فقط صرف احتمال است و شاهی برای حمل این اخبار بر این معنا وجود ندارد. با توجه به ظهور این اخبار در احتمال سوم (ارشاد به حکم عقل) این اخبار را حمل بر معنای سوم می‌کنیم. لکن از آن جایی که در این اخبار، عمل کننده به خبر ضعیف، مستحق نفس ثواب مذکور در آن خبر دانسته شده، باید احتمال سوم را با احتمال چهارم پیوند بزنیم تا بدین وسیله استحقاق ثواب مذکور، توجیه شود؛ زیرا عقل فقط صرف استحقاق ثواب داشتن کسی را که احتیاط می‌نماید درک می‌کند و رسیدن ثواب مذکور در خبر ضعیف را به شخص احتیاط کننده درک نمی‌کند؛ لذا می‌گوییم شارع مقدس با این اخبار ابتدا ارشاد به حکم عقل به حسن احتیاط دارد و برای تشویق مکلفین در عمل به اخبار ضعیف برای رسیدن به نفس ثواب ذکر شده در خبر ضعیف، به شخص محتاط یک وعده مولوی داده است؛ به تعبیر دیگر، اخبار من بلغ هم ارشاد به حکم عقل به حسن احتیاط دارند و هم جعل یک وعده مولوی بر رسیدن ثواب مذکور در خبر ضعیف به عامل آن، که موجب تشویق مؤمنین بر عمل به خبرهای ضعیف از باب احتیاط می‌گردد.

^۱ یعنی: جعل حکم واقعی ثانوی.

^۲ مرجع ضمیر: الاحتمال الثاني

^۳ یعنی: همان‌گونه که احتمال اول را نمی‌توان استفاده نمود.

^۴ خبر «أن».

^۵ مرجع ضمیر: عمل

^۶ مرجع ضمیر: دعوی

^۷ ضمیر شأن. متعلق جار و مجرور: مدفوعه.

^۸ تمیز حسن الاحتیاط.

^۹ تمیز «یکفی».

۱. جعل حجیت برای خبر ضعیف ← این احتمال با ظاهر اخبار من بلغ منافات دارد.
۲. جعل حکم واقعی ثانوی برای خبر ضعیف؛ یعنی چون بر خبر ضعیف، عنوان «بلغ عن النبی ثواب علیه» صدق می‌کند، مستحب می‌باشد. ← صرف احتمال می‌باشد و دلیلی بر آن وجود ندارد.
۳. ارشاد به حکم عقل؛ چون عقل مستقلاً احتیاط را حسن می‌داند. ← نیاز به تتمیم به وسیله احتمال چهارم دارد.
۴. جعل ثواب و پاداش مولوی برای عمل به خبر ضعیف؛ برای این که مؤمنین به عمل به احتیاط که به حکم عقل حسن است، تشویق شوند. ← احتمال متعین در مورد مفاد اخبار من بلغ

بررسی احتمالات چهارگانه
در مورد مفاد اخبار «من بلغ»

تطبیق

فالمتعین^۱ هو الاحتمال الثالث، و لكن مع تطعيمه^۲ بالاحتمال الرابع، لأن الاحتمال الثالث بمفرده لا يفسر إعطاء^۳ العامل نفس^۴ الثواب الذي بلغه.

پس متعین همان احتمال سوم است، ولی با چشاندن احتمال چهارم به آن؛ زیرا احتمال سوم به تنهایی تفسیر نمی‌کند که چرا همان ثوابی را که به عامل رسیده است به او می‌دهند.

لأن العقل انما يحكم باستحقاق العامل للثواب لا لشخص^۵ ذلك الثواب، فلا بد من الالتزام بأن هذه الخصوصية^۶ مردها إلى وعد مولوی.

زیرا عقل حکم می‌کند به این که عامل مستحق ثواب است (ثواب احتیاط)، ولی نه عین همان ثواب را (که از طریق خبر ضعیف رسیده است و گاه بسیار بیشتر از ثواب احتیاط است). پس چاره‌ای نیست از التزام به این که این خصوصیت (استحقاق عامل همان ثواب بالغ و واصل را) رجوع به وعده‌ای مولوی دارد. (نتیجه بحث این که قاعده‌ای به نام قاعده تسامح در ادله سنن ثابت نمی‌شود، بلکه ادله سنن نیز مانند ادله احکام الزامی، باید دلیل معتبر داشته باشد و خبر ضعیف نمی‌تواند در اثبات استحباب یا کراهت حجت باشد).

Sco۲:۲۰:۵۹

^۱ یعنی: احتمالی که در مورد مضمون و مفاد اخبار من بلغ متعین است.

^۲ مرجع ضمیر: الاحتمال الثالث

^۳ مفعول «يفسر».

^۴ مفعول إعطاء.

^۵ متعلق: استحقاق.

^۶ یعنی: رسیدن نفس ثواب موعود در خبر ضعیف، به عامل.

چکیده

۱. در میان احتمالات ذکر شده برای مفاد اخبار من بلغ، فقط بنابر احتمال اول (جعل حجیت برای خبر ضعیف)، می‌توان از اخبار من بلغ، قاعده «تسامح در ادله سنن» را استفاده نمود؛ اما این احتمال با ظاهر این اخبار که ثواب مذکور را برای عامل به آن ثابت می‌داند - اگر چه که روایت خلاف واقع باشد - منافات دارد؛ زیرا جعل حجیت به معنای الغای احتمال خلاف است؛ لذا مد نظر قرار دادن احتمال مخالفت آن با واقع، منافات با جعل حجیت دارد.

۲. حمل اخبار من بلغ بر احتمال دوم (استحباب واقعی ثانوی) ممکن نیست؛ زیرا ثواب داشتن یک عمل، ملازمه‌ای با مطلوب بودن آن عمل ندارد و ممکن است که ثواب داشتن فعل به خاطر حسن احتیاط باشد و شخص از باب احتیاط مستحق ثواب باشد؛ لذا ممکن است اخبار من بلغ، ارشاد به حکم عقل باشد، که با چنین احتمالی نمی‌توان نفس فعل را مطلوب مولا و مستحب دانست و فتوی به استحباب داد.

۳. با توجه به ظهور این اخبار در احتمال سوم (ارشاد به حکم عقل) این اخبار را حمل بر معنای سوم می‌کنیم، لکن از آن جا که در این اخبار، عمل کننده به خبر ضعیف را مستحق نفس ثواب مذکور در آن خبر می‌دانند باید احتمال سوم را با احتمال چهارم پیوند بزنیم تا بدین وسیله استحقاق ثواب مذکور توجیه شود.